داکترسیدخلیل الله هاشمیان ۲۰۱۳ /۱۱/ ۰۱

بحثی درعلم زبانشناسی

صوت همزه درساختمان صوتی (الفبا) زبان دری (فارسی وتاجیکی) وجود ندارد !!!

درصفحات پورتال ها مطالب گوناگون نشرمی شود و هر افغان مطابق به جهان بینی خود از این نظرات مستفیض می گردد. من به اقتضای مسلک و تجارب خود مقالات مربوط به زبان و زبان شناسی را می خوانم و درین اواخر مقاله ای به قلم دانشمند آقای (نجیب سخی) پیرامون «نقش همزه در بیان و نگارش زبان پارسی دری» را که در ۱۲ صفحه نشر شده، خواندم و به اجازۀ این دانشمند محترم می خواهم این موضوع را از زاویۀ علم زبانشناسی مطرح نمایم.
هدف من مخالفت با دانشمند محترم (نجیب سخی) نیست، بلکه اعتراض بر موضوعی است که ایشان پرورش داده و این موضوع به دو شعبۀ علم زبان شناسی تعلق می گیرد که من بعد از دریافت لیسانس در رشتۀ (زبان و ادبیات دری) از پوهنځی ادبیات وعلوم بشری پوهنتون کابل، مدت هفت سال (از۱۹٦٤ تا ۱۹۷۰) تا رتبۀ پوهنمل در جملۀ مضامینی که در پوهنځی ادبیات تدریس می کردم یکی هم مضمون (دستور زبان دری) در صنوف اول بود. دو کتابی که خوشبختانه در همان وقت توسط دو استاد نامدار پوهنتون کابل تألیف شده بود، یکی «دستور زبان معاصر دری» تألیف مرحوم پوهاند نسیم "نگهت" ([1]) در سمستر اول و دیگری «روش جدید در تحقیق دستور زبان دری» تألیف مرحوم پوهاند محمد رحیم "الهام" ([2]) در سمستر دوم سال اول بود. تشخیص شده بود که فارغان لیسه ها از ولایات مختلف که به پوهنځی ادبیات شامل می شدند، تسلط کافی به دستور زبان نداشتند تا مضامین ادبیات را در صنوف بالاتر هضم بتوانند، لهذا از مقام ریاست وهیأت تدریسی سفارش می شد تا در سال اول به تدریس (دستور زبان) بیشتر توجه شود و برای اینکار هفتۀ شش ساعت وقت تدریس داده شده بود.

از جملۀ چند کتاب دستور زبان فارسی تألیف دانشمندان ایرانی که در کتابخانۀ پوهنتون وجود داشت، دو جلد آنرا من به دقت خوانده بودم، یکی «دستور جامع» همایون "فرخ" و دیگری «دستور زبان فارسی - روش نو» تألیف داکتر "خانلری" بود. خوشبختانه استاد نگهت و استاد الهام هردو، و خصوصاً استاد الهام از زاویۀ علم زبان شناسی، اشتباهات مولفین ایرانی را در آثار خود توضیح کرده بودند که در سمستر دوم بعضی ازین اشتباهات ایرانی ها را در صنف مطرح می کردیم. دو کتابی که من تدریس می کردم، هر کدام حدود ۱٦۰ صفحه، از علم الاصوات یا علم واحد های صوتی (فونولوجی) آغاز، سپس ساختمان هجاها و کلمات (مورفولوجی) و بعداً به ساختمان جمله، انواع جمله و تشریح ارکان جمله وغیره مطالب مربوط به واحد های نحوی یا علم نحو(سنتکس) خاتمه می یافت. این بود وظیفۀ من از پوهیالی تا پوهنمل در کابل. از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ در پوهنتون اندیانا- اضلاع متحدۀ امریکا در رشتۀ زبان شناسی تحصیل و در بازگشت به وطن تا سال ۱۹۸۰ مضمون زبان شناسی را در دپارتمانت های مختلف پوهنتون کابل به سویه لیسانس و ماستری تدریس می کردم. در فرار از وطن چند سال در پوهنتون (کلیرانت) مضامین زبان شناسی و (ادبیات مقایسی) تدریس کرده ام.

در ثبوت اینکه صوت همزه در الفبای زبان دری (فارسی، تاجیکی) وجود ندارد، ساختمان صوتی زبان دری (فارسی و تاجیکی) را ذیلاً تشریح می کنیم و خاطرنشان می سازیم که نظام صوتی و اصول ساختمانی و دستور زبان دری (فارسی و تاجیکی) همگون و مشترک می باشند. نکتۀ دیگر اینست که در بانک جهانی اصوات مجموعا ۷۲ صوت وجود دارد (که همزۀ متعلق بزبان عربی نیز در آن شامل است) و هر زبان سهم صوتی خود را از همانجا می گیرد.

۱- کتاب پوهاند نسیم نگهت در سال ۱۹٦۷ یعنی چهار سال بعد از نگارش آن، توسط پوهنتون کابل چاپ شد، اما متن آن قبل از طبع به چاپ گستدنر در سال ۱۹٦٤ به محصلین توزیع می شد و گاهی هم برای دو یا سه محصل یک کاپی می رسید و در بین خود کاپی می گرفتند.
۲- کتاب پوهاند الهام در سال ۱۹٦۸ توسط پوهنتون کابل طبع شد و آنهم قبل از طبع به چاپ گستدنر توزیع می گردید. من این کتاب ها را اکنون ندارم و سنوات طبع آنها را نیز تقریبی نوشته ام.
این مطالب را نه بقسم خود نمایی، بلکه به خاطری در مقدمه جا دادم تا به دانشمند محترم (نجیب سخی) و خوانندگان این مقاله اطمینان بدهم که صلاحیت بحث، مناقشه و توضیح را در مسایل مربوط به علم زبان شناسی دارم. در دورۀ تقاعد در مدت بیست سال گذشته هرگاه پوهنتون های امریکا مرا برای بحث و لکچر روی مسایل افغانستان دعوت کرده اند، قاعدتاً قبل از شروع بحث، سوابق و صلاحیت اکادمیک خود را تذکر داده ام.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

همه زبان ها دارای دو نوع واحد صوتی (فونیم) میباشند: فونیمهای مقطع و فونیمهای غیر مقطع یا عروضی. فونیمهای مقطع زبان دری (فارسی و تاجیکی) سه نوع است: صامت ها (کانسوننت) - مصوت ها (واول) {voyelle} - نیم مصوت یا شبه (واول) {voyelle} و دیفتانگ وجه صوتی هریک ازین واحدها از لحاظ محل تولید صوت، عضو تولید صوت و چگونگی یا طریقهٔ تولید صوت فرق میکند.
صامت های زبان دری به دو دسته تقسیم می شوند: صدادار و بی صدا. کانسوننت های صدادار که به هنگام تولید آنها رشته های صوتی در حنجره مرتعش می شوند، عبارتند از:

/ب/ - /ج/ - / د/- / ر/ - / ز/ - / ژ/ - / گ / - / غ / - / و/ (دیفتانگ / W /) - / ه / (هوز). اینها هرکدام (باستثنای / ر/) جفت بی صدا هم دارند.
چهار کانسوننت صدادار دیگر: / ل / - / م / - / ن / - /ی/ (دیفتانگ / Y /) جفت بی صدا ندارند.

کانسوننت های بی صدای زبان دری که به هنگام تولید آنها رشته های صوتی در حنجره مرتعش نمی شوند، عبارتند از:

/ پ/ - /ت/ - /چ/ - /خ/ - / س/- /ش/ - /ف/ - / ق / - /خ /.

باین ترتیب زبان دری ۲۳ صامت یا کانسوننت دارد.

(واول) های زبان دری که به هنگام تولید آنها جریان تنفس متوقف نمی گردد و با طنین و تموج به قسم دوامدار ادا می شوند، عبارت اند از:

یک) (واول) / آ / که در نگارش در اول هجا و کلمات بشکل الف (مددار)، مثلاً (آب، آسمان) و در اخیر به شکل الف ظاهر می شود، مثلاً (ما، جا) – معادل لاتین آن با مثال ها در سطر ذیل:

/aa/ : (aab, aasmaan) - (maa, jaa)

دو) (واول) / ا / که درنگارش در اول هجا و کلمات بشکل الف ظاهر می شود، مثلا (اسپ، ابر، اولاد) – در وسط به قسم فتحه، مثلاً (مرد، سر، چک چک) و در آخر بشکل /ه/ هوز، مثلاً (مه، ده، بنده) ظاهر می شود – معادل لاتین آن با مثال ها در سطر ذیل:

/a/:(asp, abr, awlad) - (mard, sar, Cak Cak) - (ma, da, banda).

سه) حرکت کسره که در اول کلمات توسط علامت الف ظاهر می شود، مثلاً (امشب، انرژی) – در وسط کلمات در تلفظ به قسم کسره افاده می شود اما در نگارش نوشته نمی شود، مثلاً (سر، غر، تر) – در آخر کلمات به علامت /ه/ هوز نوشته می شود، مثلاً (ده - ده دانا)، که، به (بهتر). معادل تلفظی آن در لاتین با مثال ها در سطر ذیل:

/ i / (imSab, inargy) - (sir, Gir, tir) – (di, ki, bi)

چهار) (واول)ی که شکل تحریری آنرا (یای مجهول) می خوانند، مثلاً در وسط کلمات (شیر "حیوان"، دیر "ناوقت") - در آخر کلمات با حرف /ی/ نوشته می شود، مثلاً (نی "جواب نفی") - معادل تلفظی آن در لاتین با مثال ها در سطر زیر:

/e/ (Ser , der) – (ne).

پنج) (واول)ی که تلفظ و شکل تحریری آنرا (یای معروف) می خوانند و این صوت در نگارش در آغاز کلمات با علامت (الف) ظاهر می شود، مثلاً (ایزک، ایمان،این، ایستادن – در وسط کلمات، مثلاً (میر، قیر، شیر) – در انجام کلمات با حرف /ی/ نوشته می شود، مثلاً (دی "دیروز"، سی "عدد"، مردی "مردانگی") – معادل لاتین و مثال ها در سطر ذیل:

/ ii / : (iizak , iiman, iin , iistaadan) – (miir , qiir, Siir) - (dii, sii, mardii)

ششم) (واول)ی که در اول کلمات توسط علامت الف ظاهر میشود و آنرا(ضمه) می خوانند، مثلاً (اونجه، اوقیانوس، اردو، عمر) – در وسط کلمات گاهی توسط حرف/و/ نوشته می شود، مثلاً (خوش، خود) – در اخیر کلمات گاهی به شکل الوفون (صوت مشابه) (واول) های /u/و/uu/ ظاهر می شود، مثلاً (تو، میان، خو) – برای نوشتن این (واول) حرفی یا علامتی در زبان دری وجود ندارد، بلکه با علامت ضمه نشانی می شود - معادل آن به لاتین و مثال ها در سطر ذیل:

/u / : (unja, uqianuus, urduu, umar) - (xud, xuS - tu, xu)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ

هفتم) این (واول) را در تلفظ و تحریر زبان دری (واو مجهول) می خوانند و مثال های آن در وسط کلمات (در(جواهر)، سر(آهنگ)، شوی (تلفظ عامیانهٔ صیغهٔ امر فعل شستن: شو!، خور) – در آخر کلمات با حرف /و/ ظاهر می شود، مثلاً (برو، پس شو، پیش شو) - این (واول) در اول کلمات کمتر واقع می شود - معادل لاتین آن و مثال ها در سطر ذیل:

/ o / : (dor, sor, Soy, xor) - (boro, pasSo, piSSo)

هشتم) این (واول) در وسط و آخر کلمات ظاهر می شود و شکل تحریری آن (واو معروف) خوانده می شود. در وسط کلمات، مثلاً (سور، سرخ، چور، پور (پسر یا قلعه) – در انجام کلمات، مثلاً (دو،عدد، قو) – معادل لاتین آن با مثال ها در سطر ذیل :

/ uu/ : (suur , Cuur , puur) – (duu , quu)

شبه (واول) یا (نیم وال) در وضع و وقتی صورت می گیرد که (واول) در تلفظ شکل کانسوننت را بخود اختیار می کند و این وضع در آغاز هجا مثلاً در کلمات (آیخانم، دایکندی، قیماق) شبه (واول) /y/ تلفظ می شود. در کلمات دیگر از قبیل (اولاد، گاو، میو) شبه (واول) /w/ تلفظ می شود.
باید به خاطر سپرد که تشریح (واول) های فوق و مثال های آن به نمایندگی از لهجهٔ دری کابلی صورت گرفته و تمثیل آنها به حروف لاتین نیز مطابق بعلامات جدول اصوات بین المللی نمی باشد.
به قرار تشریحات بالا ملتفت می شویم که نظام صوتی زبان دری (فارسی و تاجکی)۲۳ صامت (کانسوننت) و ۸ مصوت ((واول)) دارد، ولی همزهٔ عربی در این نظام صوتی شامل نبوده و وجود ندارد. اما در نتیجهٔ امتزاج فرهنگ عربی با فرهنگ این منطقه، زبان های افغانستان (دری، پښتو، ***پشه ای، نورستانی وغیره) صدها کلمهٔ عربی را به عاریت گرفته بعد از تکمیل پروسهٔ وام گیری، باین کلمات تابعیت داده و آنها را جزء زبان خود ساخته اند. در نتیجهٔ این امتزاج، ما اصوات عربی را در زبان های خود داریم و علامات آنها عبارتند از:***

/ث/ - /ح/ - /ذ/ - /ص/ - /ض/ - /ط/ - /ظ/ - /ع/ - /ء/ (همزه).

دری (فارسی، تاجیکی) زبان ها اصوات /ث/ ، /ص/ عربی را از مخرج صوت /س/ تلفظ می کنند، مثلاً: ثبوت، ثروت، ثریا: (سبوت)، (سروت)، (سریا).
دری (فارسی، تاجیکی) زبان ها صوت /ح/ عربی را اکثر از مخرج (واول) /a/ تلفظ می کنند، مثلاً (حلوا "الوا" - حضرت – "ازرت") – بعضی کلمات عربی از مخرج (واول) /aa/ تلفظ میشود، مثلا (حاجی "آجی") – کلمات عربی که صوت /ح/ رادروسط یآ آخرخود داشته باشند، درتلفظ دری درهردوصورت حذف میشوند، مثلا (لوحه "لوه" – صبح "سوب").
دری (فارسی، تاجیکی) زبان ها اصوات /ذ/ ، /ض/ ، /ظ/ عربی را از مخرج صوت /ز/ تلفظ می کنند، مثلاً : (ذات، ذاکر، ذلت: (زات)، (زاکر)، (زلت) - ضرب، ضخیم، ضابط (زرب)، (زخیم)، (زابت) – ظلم، ظاهر، ظفر (زلم)، (زاهر)، (زفر).
دری (فارسی، تاجیکی) زبانها صوت /ط/ عربی را از مخرج صوت/ت/ تلفظ میکنند، مثلاً (طوطی، طیور: (توتی)، (تیور).
دری (فارسی ، تاجیکی) زبانها صوت / ع / عربی را ازمخرج / آ / = / aa / تلفظ میکنند، مثلاً (عالم، عارض، معلم: (آلم)، (آرز)،(مالم) – در بعضی کلمات عربی صوت /ع / به (واول) / / تلفظ میشود، مثلاً (عریضه، عیب: "اریزه"، "ایب" - در بعضی دیگر با (واول) کسره تلفظ میشود، مثلا (عنایت، عفاف : "انایت"، "افاف").
فتوای ما که در تلفظ همسان (فارسی و تاجیکی) زبان ها را هم شامل می سازیم به اساس تئوری علمی مبتنی بر ساختمان نظام صوتی زبان های دری، فارسی و تاجیکی استوار است، یعنی نظام صوتی، نظام صرفی و نظام نحوی هر سه لهجه همگون و مشترک می باشد. البته تفاوت های فرعی از لحاظ لهجه های محلی درهر یک ازین سه شاخهٔ زبان وجود دارد که علم زبان شناسی برای تشخیص آنها روش و فورمول خاصی دارد.
اما در مورد همزه که یک صوت مهم زبان عربی می باشد، ا ین صوت در زبان عربی در اول کلمات، مثلاً (ابلاغ، اثبات، اجبار) - در وسط کلمات مثلاً (مسأله، مسئول، هیأت) و در اخیر کلمات، مثلاً (ضیاء، نداء، قراء) وهم در اول و آخر کلمات، مثلاً (املاء، انشاء) ظاهر و توسط عرب ها از مخرجی که در حنجرهٔ شان انکشاف کرده، مشابه با صوت /ع/، بصورت واضح و مشخص تلفظ می شود. در قرآن مجید و در کتب عربی در مواردی که همزه در اول کلمه (با کسره) واقع شود، در زیر الف علامت همزه می گذارند – اگر همزه (با فتحه) واقع شود، در بالای الف علامت همزه می گذارند - هرگاه همزه در وسط کلمه واقع شود، بالای هجای دوم علامت همزه می گذارند. در دههٔ ٦٠ در مجلهٔ (ادب) پوهنځی ادبیات بالای کلمهٔ (مسئول) که آیا (مسئول) نوشته شود یا (مسوول) یا (مسئوول) بحث و مناقشه صورت گرفت، زیرا در مقالاتی که از جانب دانشمندان برای مدیر مسئول مجله می رسید، بسه نوع نوشته می شد. بعد از تحلیل همه جانبهٔ موضوع ، فیصله شد که دو نوع آن (مسئول) و (مسوول) هر دو پذیرفته و چاپ شود. در آنزمان ماشین تایپ (تایپرایتر) فارسی علامهٔ همزهٔ عربی نداشت.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

تلفظ صوت همزه که یک صوت (انسدادی بی صدا تقریباً مانند /ع/ می باشد) و سایر اصوات عربی، توسط دری (فارسی، تاجیکی) زبان ها در صورتی همانند تلفظ عرب ها امکان پذیر است که در زبان عربی مسلط باشند یا مانند قاریان و حافظان قرآن مجید در اثر مشق و تمرین، حنجرهٔ خود را برای تولید و انکشاف اصوات عربی آماده ساخته باشند.
درینجا میرسیم بموضوعاتیکه درمقالهٔ جناب (نجیب سخی) مطرح قرارگرفته اند :
۱) وقتی از تلفظ صوت همزه سخن میرانیم، موضوع بحث مازبان گفتاراست وما در بالا تشریح کردیم که صوت همزه درنظام صوتی زبان دری (فارسی وتاجیکی) وجودندارد. زبان گفتار بسیارقدیمتر واصیل تر قبول شده وعلم زبانشناسی درتشریح زبان بالای زبان گفتاراستنادمیکند، نه بالای زبان نوشتار، زیرا زبان نوشتار تصویر نادرست زبان گفتارمیباشد. بمثالهای ذیل توجه کنید :

زبان گفتار	زبان نوشتار
او	آب
تو	تب
خو	خواب
شو	شب

۲) وقتی از نوشتن علامت صوت همزه /ء/ در متون چاپ ایران و افغانستان صحبت می کنیم، موضوع بحث ما زبان نوشتار است. شکایت و تشویش ذیل جناب (نجیب سخی) از فقدان همزه در متون چاپ ایران وارد به نظر نمی رسد:
«درین دوباره نویسی ها تا حد ممکن همزه را از نوشته ها و متون بیرون می کنند و بعوض آن دوبار "ی" و یا دوبار "و" می نویسند، زیرا همزه در طرز گفتار و زبان ایرانی ها زمینهٔ استفاده و استعمال ندارد...»
عرض می شود:
ایرانی ها در برابرعدم توجه به همزه ملامت نیستند، زیرا افغان و ایرانی مجبور نیستند علامت صوت همزه عربی را (با ارزش عربی آن) در کلمات و متون چاپی فارسی و دری بکار ببرند. علامت صوت همزه میراث و تقلید نادرست از زبان عربی است که در نگارش فارسی حتی در کلمات عربی هم بصورت درست تصویر نمی شود. فارسی و دری زبان علامت همزء عربی، یعنی /ء/، را اکثر اوقات در نگارش در مورد کلماتی که با /هه/ (هوز) ختم شده باشند، بحیث (واول) / i / معادل کسره بکار می برند، مثلاً :
خانهٔ او - کتابچهٔ یونس - زینهٔ بام و امثالهم.
در چنین موارد علامت همزه (که از عربی تقلید شده) به حیث صوت (واول) کسره بکار می رود، ولی در موارد استعمال صوت /ی/ نکره در زبان فارسی رول و موجودیت همزهٔ عربی اصلاً مطرح بحث شده نمی تواند، مثلاً :
کتابی خریدم - موتری توقف کرد - خانه ای حریق شد - کوچه ای پدید آمد
در دو مثال اخیر /ی/ نکره بخاطری /ای/ شده که کلمات (خانه، کوچه) به صوت(واول) ختم شده است، و کسانی هم /ی/ نکره را به دو /ی/ می نویسند، مثلاً (خانه یی، کوچه یی) که آنرا نمیتوان عیب و نقص شمرد، زیرا در افغانستان کتابی دربارهٔ معیاری ساختن نگارش تألیف نشده بود- مضمون (نگارش) در صنوف سوم و چارم پوهنځی ادبیات تدریس می شد وهدف آن آشنا ساختن محصلین به نمونه های متون قدیم دری و ابداعات ادبی بود، اما در بارهٔ معیاری ساختن نگارش در افغانستان تا دههٔ هشتاد که من از کابل فرار کردم، کاری صورت نگرفته و پروژه ای رویدست نبود. در بارهٔ دستکاری ها و تصرفات ایرانی ها به محصلین هوشدار داده می شد و از آثاریکه دربارهٔ (نگارش) در ایران چاپ شده بود، نه تنها به حیث مواد درسی استفاده نمی شد، بلکه به محصلین سفارش می شد تا از آثار کتابخانهٔ پوهنتون نمونه هایی از متون قدیم دری انتخاب کنند. البته من انتقادات جناب (نجیب سخی) را پیرامون دستکاری ها و تصرفات ایرانی ها در متون قدیم و میراث مشترک هر دو کشور و هم در متون دری چاپ افغانستان، وارد دانسته و تائید می کنم. مثال برجستهٔ این نوع تصرفات دیوان بیدل است که ایرانی ها از روی دیوان طبع افغانستان کاپی کردند، ولی قسمت های منظوم و منثوری که حضرت بیدل در تقبیح (شیعیت) نوشته بود، همه را حذف نمودند.
در مضمون نگارش تفاوت بین سبک (style) که وجه اجتماعی و فرهنگی دارد و سلیقه (choice) که وجه شخصی و انتخابی دارد، توضیح می شد و چگونکی سبک های سه دبستان ادب دری (خراسان، عراق و هند) وهم مکتب های ادبی اروپا بطور مقایسی اما مختصر معرفی میگردید. متأسفانه یکعده نویسندگان هنوز هم بین مفاهیم سبک و سلیقه تشخیص نمی کنند، بلکه اصرار می ورزند سلیقهٔ تحریر شان را مردم به حیث یک معیار یا یک روش "برتر" بپذیرند. اما از آنجائی که "نگارش معیاری" در زبان دری وجود ندارد، هر نویسنده برای خود سلیقه ای انتخاب کرده، مثلاً :

احمد مینویسد : (مغازه ای مسدود شد) - (کتابچهٔ یادداشتم گم شد) - (گوساله ای خریدم)
محمود مینویسد: (مغازه یی مسدود شد) - (کتابچه یادداشتم گم شد) - (گوساله یـی خریدم)
کلبی مینویسد : (مـغـارهٔ مسـدود شد) - (کتابچهٔ یادداشتم گم شد) - (گـوسالـهٔ خریدم)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

در طرز نگارش کلبی از علامت همزۀ عربی به حیث صوت (واول) کسره کار گرفته شده است. هر سه سلیقۀ فوق در نگارش بخاطری قابل قبول می باشد که هر یک از سلیقۀ شخصی خود کار گرفته است، معهذا خواننده از هرسه سلیقۀ مذکور معنی یکسان را پی می برد.
۳) محترم (نجیب سخی) در جای دیگر می نویسند که در نوشته های ایرانی «خواهید دید که همزه مورد کاربرد غیر از آنی دارد که بصورت تأریخی در ادبیات دری بکار رفته است. یعنی آنرا به عوض حرف "یا" استعمال می کنند، اما آنگاه که پای یای معروف در میان آید، آنرا دوبار با یا تلفظ می کنند، یعنی: نییست، سییر، نییاکان.»
عرض می شود که همزه "بصورت تأریخی در ادبیات دری" فقط در مواردی بکار رفته که کلمات عربی مطرح بوده، ولی هیچگاه بحیث جزء ساختمان صوتی زبان دری بکار نرفته است. از جانب دیگر جناب (نجیب سخی) به تفاوت عمیق بین زبان گفتار و زبان نوشتار متوجه نشده، بالای تلفظ ایرانی ها و هم بالای نگارش ایرانی ها، بدون تشخیص این دو ساحه، انتقاد وارد کرده اند. در ساحۀ گفتار (تلفظ) بین دری (افغانستان) و فارسی (ایران) تفاوت هایی وجود دارد که بیک نوع آن، یعنی تشدید /ی/، آقای سخی در بالا اشاره کرده و نوع دوم آن صوت (واول) /آ/ = / aa/ است که در ایران به (واول) /uu/، یعنی /و/ معروف، تلفظ می شود، مثلاً :

آرام (آروم) – آسان (آسون) جان (جون) - خان (خون) - دان (دون) - تهران (تهرون) - زبان (زبون) - دکان (دوکون) - باران (بارون) – بهاران (بهارون) – قربان (قربون) و ...

و در دوسه مورد دیگر هم تفاوت تلفظی بین افغانستان و ایران وجود دارد. در زبان تاجیکی هم تفاوت های لفظی (لهجه ای) در محیط آنکشور وهم در بین دری افغانستان و فارسی ایران وجود دارد، اما تفاوت های لهجه ای نظام صوتی و صرفی زبان را تغییرداده نمی تواند. لهجۀ گفتار ایرانی ها و تاجکیها هر قدر متفاوت باشد، وقتی که همان مطالب را در قید نگارش در آورند، ما افغان ها آنرا می خوانیم و می فهمیم.

تفاوت های تلفظی و لهجه ای درهمه زبان ها وجود دارد. در انگلستان چندین لهجۀ انگلیسی وجود دارد، زبان انگلیسی در انکلستان با زبان انگلیسی در آسترالیا، امریکا و هندوستان از لحاظ تلفظ فرق دارد، اما دستور زبان انگلیسی یکی و مشترک است. انگلیس ها اخبارها، محلات و کتب انگلیسی چاپ هندوستان را مانند اخبارها و مطبوعات خود شان می خوانند و می فهمند. همین طور است وضع بین افغانستان، تاجکستان و ایران. تفاوت های لهجه ای در زبان دری بداخل افغانستان بین لهجۀ کابلی و هراتی و سرخرودی و بدخشی و هزارگی مشهود است. اما این تفاوت ها در نگارش احساس نمی شود.

٤) نسل گذشته را که ما تدریس کردیم وهم نسل نو افغان به اصطلاحات دستوری از قبیل "ممدودات" ، "سبب تقیل"، "سبب خفیف"، " وتد "، "وتد مفروق"، "وتد مجموع" و امثالهم آشنایی ندارند. این اصطلاحات در قرن ۱۹ توسط (عروضیان) بکار می رفت و در آنوقت دستور زبان عربی بالای نظام های صوتی، صرفی و نحوی زبان دری و فارسی تطبیق می شد. تصور همزۀ عربی به حیث یک صوت زبان فارسی میراث همان زمان است. حتی در اوایل قرن بیستم مقارن تأسیس پوهنځی ادبیات در کابل، مرحوم ملک الشعراء استاد بیتاب خود شان دستوری نوشته و تدریس می کردند که بالای ارکان دستور عربی استناد می کرد. مثال هایی که جناب (نجیب سخی) از ابن سینا، خواجۀ طوسی و مفتی مراد آبادی آورده اند، دانشمندان مذکور از زبان عربی مشبع بوده، در تحت تاثیر دیانت و پرستیژ سیاسی زبان عربی در آنوقت، زبان دری یا فارسی (زبان مادری خود شان را) زبان بی اهمیت می پنداشتند. تطبیق ابحار عروضی در زبان فارسی تنها بالای کلام منظوم صورت گرفته می تواند، اما زبان گفتار و زبان نوشتار فارسی تحت قواعد معیار های عروضی مطالعه شده نمی تواند.
٥) جناب (نجیب سخی) در صفحۀ سوم مقالۀ خود بیت ذیل فردوسی را به حیث نمونه ای دارای همزۀ عربی مثال آورده اند:

بجوئید و آن توشۀ ره کنید * بگوئید تا رنج کوتاه کنید**

یعنی در بیت فوق کلمات (بجودید) ، (توشۀ) و {بگوئید} را دارای همزه تصور کرده اند، اما من درین کلمات همزه نمی بینم. اگر کسی درین بیت موجودیت همزۀ عربی را به اساس معیار های علمی ثابت کرده بتواند، من در برابر هر همزه یکهزار دالر جریمه می پردازم. اما اینکه کسانی علامت همزۀ عربی را که به غلط در نگارش زبان دری به حیث اصوات (واول) (کسره) و /هه/ هوز استخدام شده، همزۀ عربی می خوانند، آنها را در تشریحات بالا به شواهد علمی ساختمان صوتی زبان دری (فارسی) متوجه می سازم.

توضیح: در کلمۀ (بجوئید) صوت میانی /هه/ هوز است – در کلمۀ (توشۀ) بعد از صوت /ش/ ، /هه/ هوز و بعد از آن (واول) /ا/ = /a/ (کسره) است - در کلمۀ (بگوئید: به ، گو، هید) صوت /هه/هوز در اول هجای سوم قرار گرفته و این کلمه را می توان (بگوهید) نوشت. دری (فارسی) زبان ها که قرن ها پیش بعلم فونولوجی و ساختمان صوتی زبان شان بصیرت

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

علمی نداشتند، در تحت تاثیر زبان عربی، علامت همزۀ عربی را بجای (واول) کسره در زبان نوشتار انتخاب کرده اند. بعد از آنست که می بینیم این (واول) (کسره) در کلمات مختوم به /هه/ هوز با علامۀ همزۀ عربی نوشته می شود، یعنی (بگوهید) را (بگوئید) می نویسند. این انتخاب غلط تا حال دامنگیر نگارش زبان دری است. به نکتۀ باریک دیگر نیز لطفاً توجه بفرمائید: اگر در مصراع اول بیت بالا عوض کلمۀ "توشۀ" یک کلمۀ مختوم به کانسوننت استخدام می شد، یعنی (توشه) به (خرچ) تعویض می شد، مثلاً (بجوئید و آن خرچ ره کنید)، در آنصورت همزۀ عربی اصلاً مورد ظهور نمی داشت، بلکه کلمۀ (خرچ) با (واول) کسرۀ عادی تلفظ می شد که در نگارش اصلاً ظاهر نمی گردید چونکه زبان دری (فارسی) برای سه صوت (واول) علامت نگارشی ندارد.

٦) جناب (نجیب سخی) در صفحۀ سوم مقالۀ خود (واول) اخیر شامل در هجای چارم کلمۀ "پروردگار" را "الف" تشخیص داده و فتوی می دهند که «الف متحرک در زبان دری وجود ندارد...» و در پاراگراف اخیر صفحۀ ۷ می فرمایند که «هر کلمه که در زبان دری با الف آغاز می گردد، چون الف قبول حرکت نمی کند، حرف مذبور در حقیقت همزه است، مثل: امید، ایمان، آرزو و...». عرض می شود که (واول) اخیر کلمۀ "پروردگار"، در هجای (گار)، (واول) الف /a/ نی، بلکه (واول) /آ/ = /aa/ می باشد. از جانب دیگر، برخلاف فتوی غلط شان، (واول) الف= /a/ بصورت نا متحرک در زبان دری وجود ندارد، یعنی این (واول) همیشه یا بقسم کسره یا فتحه و یا ضمه تلفظ می شود. اما (واول) /آ/ = /aa/ البته غیر متحرک می باشد. از جملۀ سه کلمه ایکه مثال آورده اند، کلمۀ "ایمان" عربی است نه دری و نه فارسی و البته همزه در اول این کلمه وجود دارد. اما در کلما ت دری و فارسی "امید" و "آرزو" همزه وجود ندارد. ادعای غلط دیگر شان که حرف الف در زبان دری «حرکت قبول نمی کند»، از مثال خود شان "امید"، باطل می گردد، زیرا درین کلمه حرف الف = (واول) /a/ با حرکت ضمه شروع شده است. در مثال اخیر شان " آرزو" حرف الف وجود نداشته بلکه آن نیز (واول) /آ/ = /aa/ می باشد و البته (واول) /آ/ متحرک نمی باشد. ازین وضع برمی آید که جناب (سخی) با علم الاصوات (فونولوجی) قطعاً آشنایی ندارند و در مقالۀ خود در تمام موارد از "حرف" سخن می رنند، نه از صوت، در حالیکه حرف علامتیست ممثل صوت و در زبان دری علامت "الف" بحیث یک صوت مستقل وجود ندارد.. علامتی را که آقای (سخی) "الف" می خواند، این الف در تموج صوتی خود سه نوسان دارد (فتحه، کسره، ضمه) و زبان دری متأسفانه برای این سه صوت (واول) علامات نوشتاری ندارد، بلکه برای افادۀ (واول) کسره از علامت همزۀ عربی به قسم تقلید کار می گیرند که مثال های آن درین مقاله به وفرت وجود دارد.

۷) جناب (سخی) در مورد همزۀ عربی واقعاً از سخاوت کار گرفته و اصطلاح جدیدی بنام "همزه مفتوح" اختراع کرده، سه مثال "آرزو، آب، آویزان" را تحت این عنوان قطار نموده اند (اخیر صفحۀ ۷). بارالها، این کلمات فارسی اند و همزه در آنها وجود ندارد. در کلمات (آب، آرزو، آویزان) مصوت ("واول" /آ/ = /aa/) در اول کلمه واقع شده، و در کلمۀ (مثال) (واول) مذکور در وسط کلمه قرار دارد. بیچاره فردوسی هم از تهمت مبری قرار نگرفته، زیرا این بیت او (در اول صفحه ۸ نوشتۀ جناب سخی):

ابا کوس و با نای و روئینه سنج * ابا تازی اسپان و پیلان و گنج**

یک کلمۀ عربی ندارد، لهذا همزه هم ندارد ، آقای (سخی) کلمات (ابا) و(اسپان) را که با (واول) فتحه آغاز شده و کلمۀ (روئینه) را که در وسط خود صوت /ه/ هوز(کانسوننت صدادار) دارد، همه را همزه خوانده است.

۸) در جای دیگر آقای (نجیب سخی) با انتقاد بالای داکتر خانلری که کلمات فارسی مانند «کمائی، سودائی، شوربائی، رسوائی، رهائی» را عاری از همزۀ عربی تشخیص نموده، این کلمات را واجد همزه خوانده، می گوید که ایرانی ها «همزه را تجرید کردند...» اما من به تأئید داکتر خانلری فتوی می دهم که کلمات مذکور فاقد همزۀ عربی می باشند. این کلمات را در دری و فارسی بناحق با علامت همزۀ عربی می نویسند، در حالیکه در تلفظ لهجۀ دری کابلی کلمات مذکور با (واول)/ii/ باین شکل نیز نوشته شده می تواند: (کمایی، سودایی، شوربایی، رسوایی، رهایی)

۹) در مقالۀ دیگری بقلم آقای (نجیب سخی)، بجواب جناب استاد واصف باختری، که آنهم در همین پورتال نشر شده، خواندم که «اقبال، بیدل، خسرو، مولوی، سعدی، فردوسی و...همه همزه را در کلام شان بکار برده اند، اما بما دستور می آید که همزه را تعویض کنید...» هاشمیان اجازه می خواهد به عرض برساند که نمونه و سند و ثبوتی که شاعران مذکورهمزۀ عربی را در کلام منظوم شان بحیث یک جزء زبان دری یا فارسی بکار برده باشند، وجود نداشته، اگر دانشمندی مانند آقای (نجیب سخی) اصوات (واول) و صوت /ه/ هوز را در اشعار آنها همزه خوانده باشند، قضاوت شخصی ناشی از نابلدی بیک علم جهان شمول پنداشته می شود، نه علمی و آفاقی. البته همه شاعران مذکور زبان عربی می دانستند و از اهمیت و استعمال همزه در کلمات عربی برخوردار بودند. اما آقای (نجیب سخی) فردوسی را بایست از فهرست بالا مستثنی قرار می دادند، زیرا او بسیار سعی کرده تا از استعمال کلمات عربی در شاهنامه جلوگیری نماید.

در جای دیگر همان مقاله جناب (سخی) تبصره می فرمایند که «زبان بیدل جدا و متفاوت از فارسی ایرانی است.» این ادعا کلاً و کاملاً قابل قبول نیست، فقط یک جنبۀ آن که حضرت بیدل در آثار و اشعار خود اصطلاحات خاص لهجۀ دری افغانستان را بکار برده مشهود است. درغیرآن چون بیدل درمحیط کشورهند تولد و تربیت یافته و همانجا زیسته است، طبعاً از لحاظ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

تلفظ شاید صوت /د/ را با همان کلفتی تلفظ می کرده که سایر مردم آن سرزمین تلفظ میکرده اند. چون ثبت آواز بیدل را نداریم قضاوت در زمینه آفاقی نمی تواند باشد. صرف نظر ازینکه بیدل چه نوع تلفظ می کرده، آثار مکتوب و منظوم او بیانگر این واقعیت است که بر نظام صوتی و نحوی زبان (دری و تاجکی و فارسی) مسلط بوده است. اینکه آقای (سخی) آثار حضرت بیدل را «جدا و متفاوت از فارسی ایرانی» قلمداد کرده، یک ادعای غیرعلمی است. این قضاوت جناب استاد واصف باختری مقرون به واقعیت می باشد که ایرانی یا هرگویندۀ دیگر زبان فارسی، خواه هندی و پاکستانی باشد، یا امریکایی، سویدنی، جرمنی و نارویژی، وقتی بفارسی صحبت کند شاید مطلب او را از راه گوش درست تشخیص نتواند، اما هرگاه مطلب خود را در نگارش فارسی درآورد، هم افغان، هم ایرانی، وهم تاجک مطلب اورامی فهمد. بطور مثال اگر یک دهفان در بدخشان از رویداد آب خیزی و سیلاب به خبرنگار تلویزیون بگوید که:

«او ده شو شرو به ریزش کد.» شاید بسیار مردم مطلب اورا از طریق شنیدن در تلویزیون نفهمند. اما اگر همان دهقان بنویسد که «آب در شب شروع به ریزش کرد.» هر شخص باسواد مطلب را می فهمد.

موضوع دیگر در رابطه با دعای فوق آثای (سخی) اینست که ما نمی دانیم زبان (دری - فارسی) زبان اول بیدل بوده یا زبان دوم او. آنچه می دانیم اینست که در آنزمان زبان (دری - فارسی) زبان رسمی دولت هند بوده، اما در محیط زیست حضرت بیدل زبان اردو در بین عامۀ مردم رایج بوده است. نکتۀ مهم که درین موضوع ارتباط می گیرد، آموختن زبان فارسی در هندوستان و طریقه های تدریس و آموزش آن است. یک مثال زنده درین رابطه مرحوم داکتر اقبال لاهوری است که وقتی آثار منظوم او را می خوانیم، ملتفت می شویم که درزبان فارسی ابداعیت و خلاقیت داشت، ولی همین دانشمند لاهوری وقتی بکابل آمده بود، سخنان دانشمندان افغان را بزبان دری می شنید و می فهمیدد، اما بزبان اردو جواب می داد و توسط ترجمان ترجمه می شد. درهمین موضوع، یعنی (آموختن و استعمال زبان فارسی بحیث زبان دوم در هندوستان) من مقاله ای در «روز اقبال» که هر سال از طرف سفارت پاکستان در کابل تجلیل می شد و رئیس پوهنتون و استادان پوهنځی ادبیات را دعوت می کرد، به زبان انگلیسی در آن محفل خوانده بودم و سفرای هند و پاکستان هر دو شهادت دادند که داکتراقبال فارسی تکلم نمی توانست. سفیر هند گفت که درهندوستان زبان فارسی هنوزهم در پوهنتون تدریس می شود، اکثر دانشمندان هندی بشمول خود او فارسی را می خوانند و می فهمند، اما تلفظ نمی توانند. ذکراین موضوع کلیت دیگری راکه علم زبان شناسی پذیرفته بمیان می آرد که آنچه را که عوام "دانستن یا فهمیدن زبان" می خوانند، چهار مرحله دارد:

-- دو مرحلۀ اول آن، یعنی (فهمیدن و تکلم کردن) طبیعی و

-- دومرحلۀ بعدی آن (خواندن و نوشتن) کسبی میباشد.

این کلیه در مورد اطفالی که زبان را بدامان خانواده می آموزند صدق می کند. اما در مورد کلان سالانی که یک زبان خارجی را به حیث زبان دوم یاد می گیرند، پروسۀ آموزش فرق می کند: مثال آن علامه اقبال و صدها پاکستانی وهندوستانی دیگر است که زبان فارسی را می فهمند، می خوانند و می نویسند، اما تکلم نمی توانند. تشریح این پروسه مستلزم بحث جالب و مفصل دیگری است که آنرا به وقت دیگر محول می کنیم.

۱۰) جناب آقای (نجیب سخی) را باید به لقب مخترع (همزه) در زبان دری (فارسی - تاجیکی) مفتخر سازیم، زیرا در صفحات ۹-۱۰ مقالۀ خود هشت رقم همزۀ عربی را در زبان فارسی تشخیص و معرفی کرده است. از همه مهمتراینکه آقای (نجیب سخی) درست می فرمایند که «زبان به مردم و ملتی که بدان صحبت می کند تعلق دارد...» ولی شخص خود شان را ملت قرار داده در زمینه قضاوت کرده اند، جالب اینکه «روشنفکران، دانشمندان و پروفیسران» را مستحق اظهار نظر نمی شمارند.(صفحه ۱۱). و بدتر از همه اینکه فتوی می دهند «کوشش در جهت زنده نگهداری همزه از این جهت صورت گرفت تا هیچ کس بطور نا آگاهانه و صرف از رخ تقلید، همزه را در نوشته های خود حذف نکند...» از آنجائی که این فتوی شان غیرعلمی و گمراه کننده است، من خود را منحیث یک تن از مربیان علم زبان شناسی مکلف دانستم در رد فتوی فوق مطالب بالا را به آگاهی هموطنان افغان برسانم.

آنچه در بالاگفته شد من در صنف و ازکتاب ها در مدت هفت سال درعالیترین سطح دانش آموخته ام و لقب (زبان شناس) را کمایی کرده ام، اما جناب (نجیب سخی) در مورد ساختمان اصوات و صرف و نحو زبان فارسی از طریق تطبیق عروض عربی بالای زبان فارسی قضاوت می کنند که این دو طریقۀ قضاوت بهم جور نمی آیند. بنا بر آن می دانم که جناب شان در دفاع از موقف خود جواب می دهند، ولی تا زمانیکه یک زبان شناس در بین من و آن جناب قضاوت نکند، دوام این بحث بیهوده خواهد بود.. با عرض حرمت – سیدخلیل الله هاشمیان

تقاضای نویسنده : این مقاله قصداً با هدف و سلیقه ای تایپ شده تا شکل تحریر و نگارش همزۀ عربی را (با تمام اشکال آن) در افغانستان نشان بدهد. لهذا از متصدی محترم پورتال تقاضا می شود تا آنرا همینطوری که هست، بدون ویرایش و دستکاری نشر کنند که البته مسؤولیت آن بدوش نویسنده می باشد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ